

«تپش» از شگرد مجرمان سایبری به بهانه پیش خرید خودرو گزارش می دهد

سراب خرید خودرو

لیلا حسین زاده
تپش

مثل خیلی‌های دیگر، سال‌های طولانی دسترنج ماهانه‌اش را خرد و خمیر جمع کرده بود تا بتواند ماشین بخرد، اما هرچه جمع می‌کرد، هیچ فایده‌ای نداشت. انگار که آب در هاون می‌کوبید. قیمت خودرو روزانه و هفتگی بالا می‌رفت و کسی هم نبود جلوی این افزایش را بگیرد. ثبت‌نام برای خرید خودرو هم به این آسانی نبود. تا می‌خواست در سایت خرید خودرو، ثبت‌نام کند به یک چشم برهم زدن فرصت تمام می‌شد و او می‌ماند و صفحه ثبت‌نامی که به آن زل زده بود. این چندمین باری بود که برای خرید خودرو ثبت‌نام می‌کرد و امیدوار بود این بار بتواند، اما به در بسته خورده بود.

وقتی همسرش که تازه با هم عقد کرده بودند، از او می‌پرسید چرا مدام برای خرید خودرو دست دست می‌کند؛ به او می‌گفت اگر پول کافی داشت، راحت ماشینش را می‌خرید و لازم نبود ثبت‌نام کند. سردرد دلش که با همکارانش باز می‌شد، می‌گفت هیچ‌کس به فکر ما نیست.

همه به تنها چیزی که فکر می‌کنند، خودروساز و منافع اوست که ضرر نکند. دو ماه دیگر مراسم عروسی‌اش بود و ماشین نداشت گل بزند و با آن دنبال عروسش برود. نگران بود و می‌گفت غیرت و غرور مردانه‌اش اجازه نمی‌دهد به درخانه کسی برود و ماشینش را قرض بگیرد.

این ماجرای چند سال زندگی رامین است که هر سال می‌گذرد بد و بدتر می‌شود، اما بدبیاری واقعی او زمانی اتفاق افتاد که در یکی از شبکه‌های اجتماعی با مردی آشنا شد که ادعا می‌کرد اگر با او همکاری کند، می‌تواند همزمان دو خودرو را ثبت‌نام کند: «آن‌قدر گرفتار بودم که چاره‌ای جز اعتماد به او نداشتم. آن مرد به من گفت آشنایانی دارد که به‌راحتی می‌تواند من را در سایت ثبت‌نام کند. به من گفت اگر در ازای پراید یک و نیم میلیون تومان و به ازای پژو، دو میلیون تومان به او پرداخت کنم، راحت می‌تواند ثبت‌نامم کند. من آن مرد را نمی‌شناختم، اما آن‌قدر از دوست و آشنایانش تعریف کرد که چطور ثبت‌نام‌شان کرده بود که من هم وسوسه شدم تا شانسم را امتحان کنم. موضوع را به همسرم گفتم و با این‌که مردد بود، اما قبول کرد تا این پول را که پرداختش برایمان بسیار سخت بود به او بپردازیم. پس از پرداخت به من گفت تا یک هفته دیگر رسید ثبت‌نام را برایم ارسال می‌کند. شماره تماسی هم به من داد و گفت می‌توانم با آن تماس بگیرم. یک هفته بعد مدارکی برایم ارسال کرد که نشان می‌داد در سایت ثبت‌نام شده‌ام. باورم نمی‌شد. با خوشحالی به نمایندگی مراجعه کردم، اما گفتند نام من در سایت وجود ندارد. انگار دیگر حرف‌های نمایندگی را نمی‌شنیدم. با شماره‌ای که آن مرد داده بود، تماس گرفتم که متوجه شدم خاموش است.

تا یک هفته کارم شده بود تماس گرفتن، اما همچنان خاموش بود. دو میلیون تومان پول بی‌زبان را از دست داده بودم. شاید از نظر خیلی‌ها پول زیادی نباشد، اما برای من زیاد است. دستم هم به هیچ جا بند نبود. به پلیس فتا مراجعه کردم و موضوع را با آنها در میان گذاشتم. پرونده شکایتم هم اکنون در اختیار پلیس فتاست تا مرد کلاهبردار را دستگیر کنند.»

شهروندان باید توجه داشته باشند که هویت افراد در فضای مجازی ناشناخته است و به همین دلیل به‌هیچ‌وجه به آگهی‌ها و تبلیغاتی مانند دریافت وام آسان ثبت‌نام، برنده شدن در قرعه‌کشی‌ها و... اعتماد نکنند

کلاهبرداران در کمین خریداران خودرو

سرهنگ مرتضی ابوطالبی

رئیس پلیس فتای استان یزد

سرهنگ مرتضی ابوطالبی، در مورد این پرونده گفت: کلاهبرداران در شبکه‌های اجتماعی با وعده‌های دروغین، تبلیغات اغواکننده، جعل رسیدها و مستندات مربوط به ثبت‌نام خودرو، کاربران را فریب می‌دهند و متاسفانه عده‌ای نیز که به دنبال خرید خودرو هستند، فریب وعده‌های آنان را می‌خورند.

شهروندان باید توجه داشته باشند که هویت افراد در فضای مجازی ناشناخته است و به همین دلیل به‌هیچ‌وجه به آگهی‌ها و تبلیغاتی مانند دریافت وام آسان، ثبت‌نام کردن، برنده شدن در قرعه‌کشی‌ها و... اعتماد نکنند؛ چراکه بسیاری از این تبلیغات دروغ است و هدفی جز سرکیسه‌کردن مردم ندارند.

پلیس فتا از هموطنان درخواست می‌کند ضمن جدی گرفتن هشدارهای سایبری پلیس در صورت مواجهه با موارد مشکوک، آن را از طریق سایت پلیس فتا به نشانی Cyberpolice.ir و ثبت در بخش گزارش‌های مردمی، گزارش کنند.

رو در رو

گفت‌وگو با پسر جوان که عاشق موتور سنگین است

پازل موتورهای میلیاردی خلاف

موتورهایی با قیمت‌های میلیاردی در خانه‌های آنها کشف شده است. سه دوست، سه رقیب در مسابقات، صاحب این موتورها هستند. سوار این موتورها شدن خلاف است و طبق قانون تردد آنها در شهر غیرقانونی است. با این حال آنها برای داشتن این موتورها نقشه‌ای حرفه‌ای کشیده و از مرزهای جنوبی موتورها را به پایتخت آورده‌اند. اگر احیانا کسی را سوار بر این موتورها دیدید شک نکنید که وضع مالی آنها در حدی است که تصورش را هم نمی‌شود کرد. گفت‌وگوی تپش را با یکی از موتورسواران در حاشیه طرح پلیس آگاهی می‌خوانید.

هرسه موتور برای شماست؟

نه. یکی از آنها برای من است. دو تای دیگر هم برای دوستانم است. آنها زمانی که دیدند من چنین موتوری خریده‌ام تصمیم گرفتند یکی از آن را داشته باشند.

از کجا خریدید؟

چون تردد با این موتورها غیرقانونی است در نتیجه خریدش هم غیرقانونی است. ما قطعات این موتورها را سفارش می‌دهیم و از مرزهای جنوبی کشور به صورت قطعه قطعه وارد کشور می‌شود. بعد از جاسازی این قطعات با خودرو به تهران منتقل می‌شود که تحویل گرفتیم در تهران سرهم‌بندی می‌کنیم.

قطعا سرهم‌بندی چنین موتورهایی نیاز به تبحر و تخصص دارد؟

بله. من خودم مکانیک هستم و تخصص زیادی دارم. ولی دیگرم تجربه‌ای در این ماجرا ندارند و از مکانیک‌های متخصص می‌گیرند.

این همه دردسر می‌ارزد برای داشتن یک موتوری که تازه ممنوع است؟

هم از نظر مالی خیلی به‌صرفه است و هم از نظر هیجان این موتورها شدن خیلی هیجان دارد. باید امتحان کنی